

کاربرد دانش و اصول حسابداری در کارآفرینی و کسب و کارها

حمیدرضا خدادادی^{۱*}، خدیجه رئیسیان^۲

۱- دکتری حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی
۲- کارشناسی ارشد حسابداری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی

بررسی رابطه بین شهرت حسابرِس، مدیریت سود و مدیریت سرمایه در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

چکیده

هدف کلی از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین شهرت حسابرِس، مدیریت سود و مدیریت سرمایه در بانک‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. متغیرهای وابسته این پژوهش، مدیریت سود و مدیریت سرمایه بوده و متغیر مستقل: شهرت حسابرِس و متغیرهای کنترلی: اندازه بانک، رشد بانک، مجموع وام، اهرم مالی بانک، تغییرات جریان نقدی، ذخایر زیان وام بانک، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار می‌باشند. در این پژوهش از تحلیل رگرسیون (OLS) استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴ می‌باشد. در نهایت از روش رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج فرضیه اول نشان داد که بین موسسه بزرگ حسابرِس و مدیریت سود بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد. نتایج فرضیه دوم نشان داد که بین تخصص صنعت حسابرِس و مدیریت سود بانک‌ها رابطه معناداری وجود دارد. نتایج فرضیه سوم حاکی از آن بود که بین موسسه بزرگ حسابرِس و مدیریت سرمایه بانک‌ها در بانک‌های تجاری رابطه معناداری وجود دارد. نتایج فرضیه چهارم حاکی از آن بود که بین تخصص صنعت حسابرِس و مدیریت سرمایه در بانک‌های تجاری رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، مدیریت سرمایه، شهرت حسابرِس، تخصص صنعت حسابرِس

مقدمه

بحران مالی اخیر مسئله مهم وضعیت و اقدام ریسک‌پذیری بانک‌ها در یک سطح جهانی را مورد تأکید قرار داده است (برنانک، ۱۹۸۳؛ کالومیریس و ماسون، ۲۰۰۳). نظارت‌کنندگان و وضع‌کنندگان سعی می‌کنند که پدیده مربوطه را با تعبیه یک استاندارد کفایت سرمایه موثر و دقیق تر تعدیل نمایند (چالیرمچاتیوچین و همکاران، ۲۰۱۴). قوانین و مقررات سختگیرانه، بحث‌های زیادی را در میان سیاست‌گذاران، تنظیم‌کننده‌ها و اقتصاددانان مالی (لاگوتاردی-سگوت، ۲۰۱۶) مطرح می‌نمایند. علی‌الخصوص مخالفان قوانین و مقررات محدودکننده مباحثه و استدلالی را مطرح می‌کنند که خود نظارتی از طریق مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی موثر و نظم بازار به اعتدال شیوه‌های ریسک‌پذیری نهادها و موسسات مالی منتهی خواهد شد. بر طبق نظریه واهکونین (۲۰۱۱) بحران مالی کنونی نیاز به شفافیت بیشتر و نظم بازار را مد نظر قرار می‌دهد.

بنا بر نظریه بال و همکاران (۲۰۰۰)، کشورهای دارای قانون مشترک بوسیله بازارهای سهام فعال، مبنای متنوع سرمایه‌گذاران، حمایت و حفاظت از سرمایه‌گذار قدرتمند و مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی و ریسک بالای دادرسی/دعوی قضائی شناخته و مشخص می‌شود و سهامداران محور می‌باشد. اگرچه، کشورهای دارای قانون و مجموعه قوانین مدون بواسطه بازارهای سهام غیرفعال، ریسک پایین دادرسی/دعوی قضایی تشریح می‌شود و وام‌دهنده محور بوده و افزایش عمومی کمتری را ایجاد می‌کند. کوپینز و پیک (۲۰۰۵) و داسکی و همکاران (۲۰۰۶) اثبات می‌کنند که اختلافات موجود در گزارش سود در کشورهای دارای مجموعه قوانین مدون مستقل آشکارتری می‌باشد، یعنی مدیریت سود در این کشورها بیشتر بطور رسمی بیان می‌گردد. قطع نظر از اختلاف‌ها و تفاوت‌های نهادی ملی مربوطه، بر طبق نظر لاتریدیس (۲۰۱۲) یک پرسش و مسئله پژوهشی اصلی بازبینی و بررسی شده توسط حسابرِس ۴ موسسه بزرگ حسابرِس